

ارزیابی رویکرد بریتانیای جهانی در دوره پسابرگزیت بر اساس مکتب انگلیسی روابط بین‌الملل

رضا باقری^۱، علیرضا کاظمی^۲

^۱ نویسنده مسئول: استادیار، گروه مطالعات اروپا، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
رایانامه: Rezabagheri82@ut.ac.ir
^۲ دانشجوی دکتری مطالعات بریتانیا، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

هرچند برگزیت به‌عنوان اقدامی در راستای تمرکز بیشتر بر مرزهای ملی و حاکمیت بریتانیا در نظر گرفته می‌شود، از سوی دیگر برگزیت رویکردهای جهانی و بین‌المللی بریتانیا را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است. از نگاه طرفداران برگزیت، خروج بریتانیا عاملی برای انزوای منطقه‌ای یا جهانی بریتانیا نیست، بلکه بر عکس اقدامی در جهت نقش‌آفرینی بیشتر و آزادانه‌تر بریتانیا در عرصه سیاست جهانی است. بررسی تأثیرات برگزیت بر سیاست خارجی بریتانیا بسیار ضروری است. پرسش اصلی این پژوهش آن است که در دوران پسابرگزیت رویکرد «بریتانیای جهانی» در سیاست خارجی بریتانیا چه تأثیراتی به‌همراه داشته است و آیا این رویکرد را می‌توان با نظریه مکتب انگلیسی تطبیق داد؟ اساساً پژوهش حاضر ماهیتی نظری و تئوریک دارد، با این حال از روش تحلیلی-توصیفی برای ساماندهی استفاده شده و به‌طور خاص برای تحلیل سخنرانی‌های مقامات بریتانیایی و اسناد دولتی از روش تحلیل مضمون بهره گرفته شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بریتانیا در دوره پسابرگزیت به‌دنبال ترویج کثرت‌گرایی از طریق تعامل با دامنه گسترده‌ای از شرکای خود (از جمله متحدان سنتی و قدرت‌های نوظهور) در سراسر جهان است. بریتانیا از اتحادیه اروپا (به‌عنوان یک نهاد ثانویه با عملکرد اقتصادی و اجتماعی) خارج شده است، اما همچنان در موضوع امنیت دسته‌جمعی، نگاهی بنیادین به اتحادیه اروپا دارد. بریتانیا در چارچوب رویکرد «بریتانیای جهانی» قصد دارد در دوران پسابرگزیت در سطح بین‌المللی و جهانی همچنان به‌عنوان یک قدرت بزرگ و پیرو هژمون، به نقش‌آفرینی بیشتر بپردازد.

واژه‌های کلیدی: بریتانیای جهانی، برگزیت، کثرت‌گرایی-همبستگی، نهادهای اولیه-ثانویه، قدرت بزرگ-هژمونی

* **استناد:** باقری، رضا؛ علیرضا کاظمی. (۱۴۰۳، پاییز) «ارزیابی رویکرد بریتانیای جهانی در دوره پسابرگزیت بر اساس مکتب انگلیسی روابط بین‌الملل» *فصلنامه سیاست*، ۵۴، ۳: ۳۳۷-۳۶۱. <DOI:10.22059/JPQ.2024.325174.1008187>
تاریخ دریافت: ۲۷ خرداد ۱۴۰۳، تاریخ بازنگری: ۱۵ مرداد ۱۴۰۳، تاریخ تصویب: ۱۰ مهر ۱۴۰۳، تاریخ انتشار: ۱۰ مهر ۱۴۰۳.

۱. مقدمه

هدف این پژوهش بررسی رویکرد بریتانیای جهانی در سیاست خارجی این کشور و به صورت مشخص تحلیل برگزیت بر اساس مؤلفه‌های مهم نظریه مکتب انگلیسی است. مکتب انگلیسی روابط بین‌الملل دارای سابقه تاریخی بوده و شروع آن تا حدودی نامشخص و حتی مورد مناقشه است. آگاهی و توجه به این نظریه با افزایش انتشار مقالات در بریتانیا طی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی بیشتر شد. مانند هر جامعه‌ای که از نظر تاریخی شکل گرفته است، مکتب انگلیسی نیز به تدریج از یک گروه یا طیف فکری به سوی تعدادی از دانشمندان که خود در تحول تاریخی یا ادامه مکتب انگلیسی هستند، تغییر جهت داده است (Suganami, 2010). این اعتقاد وجود دارد که مکتب انگلیسی از مبانی فکری اصلی در نظریه‌های روابط بین‌الملل و یکی از نظریه‌هایی است که در بریتانیا پرورش یافته است. ویلسون و اولیور معتقدند درحالی‌که نظریه مکتب انگلیسی در ابتدا به مسائل ادغام و سطح تحلیل منطقه‌ای به‌طور کلی توجهی نداشت، اما در روند تکامل مفاهیم آن به یکپارچگی و واگرایی نیز توجه شده است. در واقع می‌توان این‌گونه برداشت کرد که سیر تکاملی مکتب انگلیسی همچنان در حال رشد است (Wilson & Oliver, 2020: 5). سؤال اصلی که مقاله در پی پاسخگویی به آن است، این است که رویکرد «بریتانیای جهانی» در سیاست خارجی این کشور چه تأثیرات بین‌المللی برای بریتانیا به‌ویژه پس از برگزیت داشته است؟ پاسخ به این پرسش، بر اساس مکتب انگلیسی در سه حوزه تنش بین مفاهیم «کثرت‌گرایی» - همبستگی جامعه بین‌المللی، «ماهیت و نقش نهادهای اولیه-ثانویه» و اهمیت موقعیت «قدرت بزرگ-هژمونی» طراحی شده است. در این مقاله تلاش شده است هر یک از این موارد در رابطه با رویکرد بریتانیای جهانی، با تمرکز بر واکنش کثرت‌گرایانه به نظام بین‌الملل، تغییر چشم‌انداز نهادی و مخاطرات ناشی از موقعیت قدرت بزرگ بریتانیا ارزیابی شود. این پژوهش، در پی ارزیابی این فرضیه است که رویکرد بریتانیای جهانی در دوره پس‌برگزیت بیانگر چرخش سیاست خارجی بریتانیا از همبستگی به کثرت‌گرایی، توجه بیشتر به نهادهای اولیه، بازیابی وضعیت قدرت بزرگ بریتانیا و تقویت آن در راستای رابطه ویژه با آمریکا به‌عنوان قدرت هژمون است. به‌عبارت دیگر، بریتانیا در چارچوب رویکرد «بریتانیای جهانی» در سیاست خارجی به‌ویژه پس از برگزیت قصد دارد همچنان به نقش خود به‌عنوان یک قدرت بزرگ و پیروی از هژمون در سطح بین‌المللی بپردازد. در واقع با خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، محدودیت‌های عضویت این کشور در اتحادیه کاهش و ظرفیت بریتانیا برای تبعیت از آمریکا و تقویت رویکرد بریتانیای جهانی افزایش یافته است؛ البته چنین شرایطی می‌تواند هژمونی آمریکا را نیز بیش از پیش تقویت کند. به‌نظر می‌رسد با توجه به برخی مفاهیم نظریه مکتب

انگلیسی، می‌توان رویکرد بریتانیای جهانی به‌ویژه پس از برگزیت را به‌خوبی بر اساس آن تحلیل کرد. در این پژوهش، ابتدا سه مفهوم مهم مکتب انگلیسی به‌صورت مختصر بررسی و سپس با کاربست این سه مفهوم، رویکرد بریتانیای جهانی و برگزیت تحلیل می‌شود.

۲. روش پژوهش

این پژوهش با اتخاذ رویکرد کیفی (تحلیلی-توصیفی) و بهره‌گیری از مفاهیم اصلی نظریه مکتب انگلیسی روابط بین‌الملل و روش تحلیل مضمون (برای بررسی سخنرانی‌های مقامات بریتانیایی و اسناد دولتی) به بررسی رویکرد بریتانیای جهانی می‌پردازد. هرچند دسترسی به منابع معتبر و دست‌اول در این پژوهش با محدودیت‌هایی مواجه است، اما تلاش شده است با بررسی مواضع مقامات بریتانیایی و اسناد منتشرشده توسط نهادهای دولتی بریتانیا تا حدود زیادی محدودیت‌های موجود مرتفع شود.

۳. چارچوب نظری پژوهش: مکتب انگلیسی روابط بین‌الملل

بر اساس نظریه مکتب انگلیسی روابط بین‌الملل که از آن به‌عنوان «رنالیسم لیبرال»، «جامعه بین‌الملل» یا «نهادگرایی بریتانیایی» نیز یاد می‌شود، وجود «جامعه دولت‌ها» در سطح بین‌المللی با وجود شرایط آناژشی در روابط بین‌الملل، کاملاً قابل تصور است. مکتب انگلیسی حد وسط بین نظریه‌های متضاد رنالیسم و لیبرالیسم است (Stivachtis, 2018). مکتب انگلیسی بر این باور است که ایده‌ها در کنار قابلیت‌های مادی، رفتار سیاست بین‌الملل را شکل می‌دهند، بنابراین قادر به تحلیل و نقد هستند (Bull, 1977). از این منظر، نظریه مکتب انگلیسی شبیه نظریه سازه‌نگاری است. مکتب انگلیسی ریشه در تاریخ جهان، جامعه‌شناسی، حقوق بین‌الملل و نظریه سیاسی دارد. مکتب انگلیسی کلاسیک با این فرض واقع‌گرایانه شروع می‌شود که سیستم بین‌المللی متشکل از دو یا چند دولت است که با یکدیگر در تعامل‌اند و شرایط آناژشی بین‌المللی در میان آنها وجود دارد و هر کدام از این دولت‌ها منافع خود را در نظر می‌گیرند (Buzan & Pelaez, 2004).

مکتب انگلیسی بخشی از نظریه روابط بین‌الملل است که ریشه آن در دیپارتمان روابط بین‌الملل در مدرسه اقتصاد لندن و بخش شایان توجهی از آن در دانشگاه‌های کمبریج، آکسفورد، آریست‌ویث^۱ و فراتر از بریتانیا قرار دارد. تکامل این نظریه از چهار مرحله که یکدیگر را تکمیل می‌کنند، تشکیل شده است و کمیته بریتانیایی نظریه سیاست بین‌الملل^۲

1. Aberystwyth
2. British Committee on the Theory of International Politics

(Wilson & Oliver, ۱۹۵۴-۱۹۸۵) ابزار مهمی برای توسعه دو مرحله اول آن بوده است (Wilson & Oliver, 2020: 3-4).

در مرحله اول شکل‌گیری مکتب انگلیسی، ساختار رسمی نظام بین‌الملل به‌ویژه اصل حاکمیت، نقش حقوق بین‌الملل، موازنه قوا و نقش قدرت‌های بزرگ بسیار مورد توجه بوده است (Wilson & Oliver, 2020). در مرحله دوم گسترش جامعه بین‌الملل، گسترش جغرافیای جهانی باشگاه دولت‌ها به‌خصوص در اروپا مدنظر قرار گرفت. هدف از این مرحله از مطالعات مکتب انگلیسی، نگرانی در زمینه پیامدهای گسترده‌گی جغرافیایی برای نظم بین‌المللی بود. بر اساس برخی ارزیابی‌ها، این دو مرحله شکل‌گیری و تکامل مکتب انگلیسی را می‌توان در رده‌بندی رویکرد کلاسیک آن در نظر گرفت (Balkan & Patrick, 2005).

در مرحله سوم، مکتب انگلیسی نگرانی در زمینه حقوق بشر و اهداف جامعه بین‌المللی را در مرکز توجه خود قرار داد و در مرحله چهارم بر توسعه مبانی نهادی جامعه بین‌المللی تأکید داشت. با بررسی آثار «مارتین وایت»^۱ (۱۹۹۱) و «هدلی بول»^۲، می‌توان به این نتیجه رسید که محققان مکتب انگلیسی کلاسیک و پژوهشگران معاصر آن به کارهای نظری و تجربی نیز توجه داشته‌اند. در این زمینه می‌توان به پژوهش‌های انجام‌گرفته در خصوص هویت، کارکرد و اهمیت نهادهای اولیه یا بنیادی جامعه بین‌المللی اشاره کرد. برای مثال رابطه نهادهای اولیه با سازمان‌های بین‌المللی مانند اتحادیه اروپا و سازمان ملل مورد بررسی نظریه‌پردازان معاصر مکتب انگلیسی قرار گرفته است (Wilson & Oliver, 2020). در جدول ۱ سیر تحولات نظریه مکتب انگلیسی شامل محور اصلی، مفاهیم غالب و دوره زمانی، مشخص شده است.

جدول ۱: سیر تحولات نظریه مکتب انگلیسی

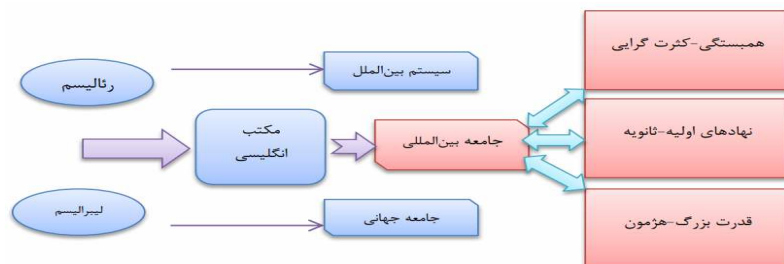
مراحل تحولات	محور اصلی	مفهوم غالب	بازه زمانی
مرحله اول	ساختار اصلی نظام بین‌الملل (حاکمیت، حقیق بین‌الملل، موازنه قوا، قدرت بزرگ و...).	ایجاد مفهوم «جامعه بین‌المللی» و تمرکز بر استقرار یا ایجاد نظم بین‌المللی	ابتدای دوره جنگ سرد
مرحله دوم	گسترش جامعه بین‌المللی	گسترش نظم بین‌المللی به ویژه پس از افول قدرت بزرگی بریتانیا	عضویت بریتانیا در جامعه اقتصادی اروپا (۱۹۷۳)
مرحله سوم	حقوق بشر و اهداف جامعه بین‌المللی	تأکید بر نظم عدالت، شکل‌گیری مفاهیم همبستگی-کثرت‌گرایی و توجه به مفاهیم اخلاقی	دهه ۱۹۸۰ میلادی
مرحله چهارم	تمرکز بر پایه‌های نهادی جامعه بین‌المللی	تمرکز بر نهادها (نهادهای اولیه و نهادهای ثانویه)	از سال ۲۰۰۰ میلادی

منبع: نگارنده

1. Martin Wight
2. Hedley Bull

مکتب انگلیسی حول سه مفهوم کلیدی شامل سیستم بین‌المللی، جامعه بین‌المللی و جامعه جهانی شکل گرفته است. هدلی بول (۱۹۷۷) معتقد است سیستم بین‌الملل در شرایطی شکل می‌گیرد که دو یا چند دولت تماس کافی بین خود داشته و بر تصمیم‌گیری‌های یکدیگر تأثیر دارند و به‌عنوان بخشی از یک کل رفتار می‌کنند. بر اساس این تعریف، نظام بین‌الملل اغلب به سیاست قدرت در میان دولت‌هایی می‌پردازد که عملکرد آنها مشروط به ساختار هرج‌ومرج بین‌المللی است. جامعه بین‌المللی زمانی وجود دارد که گروهی از دولت‌های همفکر خود را متعهد به مجموعه‌ای از قوانین مشترک در روابط خود با یکدیگر تصور کنند و در امور نهادی با نفع مشابه سهیم باشند. به‌عبارت دیگر، جامعه بین‌الملل ایجاد هنجارها، قوانین و نهادهای مشترک است. علاوه بر این جامعه جهانی بنیادی‌تر از جامعه بین‌الملل است، زیرا واحدهای نهایی جامعه بزرگ تنها دولت‌ها نیستند، بلکه انسان‌ها خارج از دولت متصور شده‌اند (Bull, 2002). بنابراین، جامعه جهانی از نظام دولتی فراتر می‌رود و افراد، بازیگران غیردولتی و در نهایت جمعیت جهانی را کانون هویت و ترتیبات اجتماعی جهانی قرار می‌دهد. در اینجا ذکر این نکته مهم است که در مکتب انگلیسی اصطلاح «نهاد» با اصطلاح «سازمان» متفاوت است. بر اساس تفکر مکتب انگلیسی، «نهادهای» به رفتارهای درازمدت میان دولت‌ها (مانند دیپلماسی، قانون و جنگ) اشاره دارند تا به ساختارهای بوروکراتیک بین‌المللی (سازمان‌ها) که ممکن است برای تسهیل تعامل دولت‌ها ایجاد شوند. برای ارجاع به نهادهای بین‌المللی، مکتب انگلیسی از اصطلاح «شبه‌نهاد» یا «نهادهای ثانویه» استفاده می‌کند تا نشان دهد اثر بخشی نهادهای بین‌المللی به کارکرد نهادهای اولیه جامعه بین‌المللی بستگی دارد (Stivachtis, 2018). علاوه بر اهمیت موضوعاتی مانند نظم بین‌الملل و جامعه بین‌الملل، اصول دیگر مکتب انگلیسی را می‌توان دوگانه‌های کثرت‌گرایی-همبستگی، نهادهای اولیه-ثانویه و قدرت‌های بزرگ-هژمونی ذکر کرد. با توجه به اینکه این اصول در تبیین موضوع مورد بررسی این مقاله به‌کار گرفته شده است، در ادامه به‌اختصار به آنها اشاره می‌شود.

نمودار ۱. تبیین نظریه مکتب انگلیسی



منبع: نگارنده

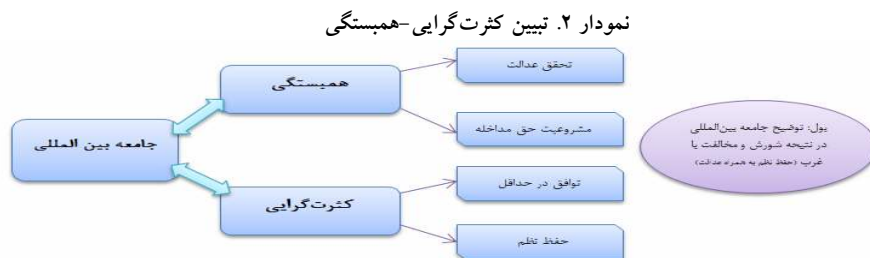
۳.۱. دوگانه کثرت‌گرایی و همبستگی‌گرا

کثرت‌گرایی و همبستگی جزء متمایزترین دسته‌بندی مکتب انگلیسی محسوب می‌شوند. موضوع بحث کثرت‌گرایی شامل انواع مختلف نظم از جمله نظم بین‌المللی و جهانی می‌شود (Bain, 2010: 1). هدلی بول با وجود تمایز بین نظام و جامعه بین‌الملل، برای رویکرد جامعه بین‌الملل نیز تمایز قائل شد و آن را چارچوب نظرهای کثرت‌گرا و همبستگی (گروسیوسی) دسته‌بندی کرد. بول (۱۹۷۷) فرض اساسی گروسیوسی‌ها یا رویکرد همبستگی را بر این قرار داد که دولت‌ها با احترام به اجرای قانون، همبستگی یا همبستگی بالقوه جامعه بین‌الملل را ایجاد می‌کنند. همبستگی جامعه بین‌الملل با این باور بیان شده است که تفاوت مشخصی میان جنگ‌های عادلانه و ناعادلانه وجود دارد و در نگاهی گسترده‌تر حق مداخله انسان‌دوستانه از آن ناشی می‌شود (Bull, 1977). همه افراد انسانی در نوع خود موضوعات حقوق بین‌الملل و اعضای جامعه بین‌الملل هستند. در مقابل، مفهوم کثرت‌گرای جامعه بین‌الملل بیانگر این است که دولت‌ها همبستگی از این نوع را از خود نشان نمی‌دهند، بلکه تنها قابلیت توافق در مورد حداقل اهداف خاصی را دارند که کمتر از تحقق این قاعده است (Bull, 1977). هدلی بول (۱۹۶۶) در تفسیر جنگ، آن را در چارچوب عادلانه‌ای مورد توجه قرار می‌دهد؛ در واقع او معتقد است در شرایط همبستگی، اقدام به جنگ در حقوق بین‌الملل مشروع است و جنگ به‌عنوان اقدامی از سوی پلیس بهمزله مجری قانون در نظر گرفته می‌شود. به‌عبارت دیگر جنگ نوعی قانون است که توسط جامعه‌ای از دولت‌ها به‌عنوان کل و افراد ساکن در کشورهای تشکیل‌دهنده این جامعه تعیین می‌شود. در این زمینه بول (۱۹۷۷) معتقد است:

«در دکتورین گروسیوس یا همبستگی، دستیابی به نظم جهانی از طریق ایجاد محدودیت یا جلوگیری از توسل به جنگ توسط دولت‌ها در راستای اهداف سیاسی و ترویج این ایده است که زور تنها می‌تواند به‌طور قانونی برای ارتقای اهداف جامعه بین‌المللی استفاده شود. بنابراین به‌دنبال بازتولید یکی از ویژگی‌های اصلی جامعه داخلی در جامعه بین‌المللی است. سیستم قوانینی که گروسیوس ابداع کرد برای کمک به پیروزی گروه یا گروه‌هایی در جنگ بود که دارای آرمان درست و بنابراین از طرف جامعه به‌عنوان یک کل عمل می‌کردند» (Bull, 1977: 231).

در نظر گرفتن منبع قانون و الزام‌آور بودن آن برای این تضاد نیز حائز اهمیت است. کثرت‌گرایان منبع قانون را عرف و معاهداتی می‌دانند که دولت‌ها رضایت صریح خود را نسبت به آن اعلام کرده‌اند و بر نظم جامعه بین‌المللی تأکید دارند. در مقابل طرفداران همبستگی رویکرد گسترده‌تری را در ارتباط با اجرای قانون اتخاذ می‌کنند. از نظر آنها علاوه بر

رویکرد قانون و عرف، توجه به قانون طبیعی و اجرای عدالت نیز اهمیت دارد. بر این اساس تفاوت میان جامعه بین‌المللی کثرت‌گرا و جامعه بین‌المللی همبسته به نوع رویکرد این دو به نحوه اجرای قانون و مبنای آن نیز بازمی‌گردد (Bain, 2010: 2-5). بول در ابتدا از طرح این دو مفهوم با هدف یافتن راهی برای توصیف تجربی جامعه بین‌المللی بهره گرفت. در اصل بول از این مفهوم برای توضیح تحول در جامعه بین‌المللی در نتیجه شورش و مخالفت با غرب الگو گرفت، تغییری که بازتابی از توجیه هنجاری بین‌المللی را برانگیخت (Bain, 2010: 2-13). چنانکه اشاره شد یکی از دستاوردهای اصلی مفاهیم کثرت‌گرا و همبستگی تبیین و توصیف انواع جامعه بین‌المللی است علاوه بر این، شیوه توجیه مداخله بشردوستانه در این مفاهیم شایان توجه است. این دو مفهوم در مکتب انگلیسی دو محور جامعه جهانی (همبستگی) و نظم جهانی (کثرت‌گرایی) را تبیین کرده و فهم اجتماعی به عنوان راهنمای شهروند جامعه جهانی و آگاهی اخلاقی جهان رو به رشد را با افزایش ارتباطات انسانی تشریح می‌کند (Bain, 2020).



منبع: نگارنده

۲.۳. دوگانه نهادهای اولیه و نهادهای ثانویه

نهادهای اولیه نهادهایی هستند که مکتب انگلیسی آنها را به‌عنوان تشکیل‌دهنده دولت‌ها و جامعه بین‌المللی معرفی می‌کند، زیرا هم ماهیت اساسی و هم هدف هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند. این نوع نهادها به‌جای طرحی اولیه، تکامل‌یافته هستند و جنبه ابزاری ندارند، از این رو می‌توان ریشه آنها را تا تاریخ شکل‌گیری دولت‌ها عنوان کرد. بر این اساس، نهادهای اولیه شامل حق حاکمیت، عدم مداخله، استقلال سرزمین، دیپلماسی، حقوق بین‌الملل، جنگ، موازنه قدرت‌ها و قدرت بزرگ است. ملی‌گرایی و بازار دو مفهوم جدیدترند که با برخی مفاهیم دیگر موضوع حقوق بشر و دموکراسی را ترویج می‌کنند (Zhang & Yao, 2001). از نگاه مکتب انگلیسی، نهادها چه اولیه و چه ثانویه در طول زمان به‌کندی تغییر می‌کنند. نهادهای اولیه هم ایجادکننده بازیگران هستند و هم مؤسس قواعد بازی یعنی هم بازیگران و هم قواعد بازی را ایجاد و در نتیجه رفتارهای مشروع و نامشروع را تعریف می‌کنند. نهادهای اولیه مانند

حاکمیت، حقوق بین‌الملل، توازن قوا، جنگ و... مبنای جامعه بین‌المللی هستند و نهادهای ثانویه از جمله رژیم‌های بین‌المللی و سازمان‌های بینحکومتی را شامل می‌شوند که توسط دولت‌ها بنیان نهاده می‌شوند (Qi & Xuotong, 2012). در چنین وضعیتی که کثرت‌گرایانی نظیر هدلی بال و مارتین وایت بر نهادهای اولیه تأکید کرده‌اند همبستگی‌گرایان بر نهادهای ثانویه مانند حقوق بشر و دموکراسی، مخاطرات رشد در سیاست بین‌الملل و بر اقتصاد بازار تأکید دارند. آنان معتقدند جامعه بین‌المللی نخست در غرب پیدایش یافته و سپس در طول چندین قرن به سراسر جهان گسترش یافته است (Watson & Bull, 1984).

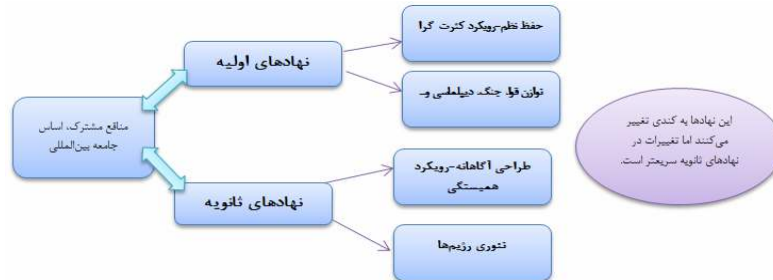
«باری بوزان»^۱ با تکمیل دیدگاه نظریه‌پردازان مکتب انگلیسی و به‌عنوان نظریه‌پرداز معاصر این مکتب، دو نوع نهاد را از یکدیگر متمایز می‌کند: الف) نهادهای اولیه که در طول تاریخ شکل گرفته‌اند و دارای ساختارهای هنجاری هستند و «نیکلاس اونوف»^۲ این مؤسسات را نهادهای تکامل‌یافته می‌نامد؛ ب) نهادهای ثانویه به‌عنوان رژیم یا نهادی ابزاری طراحی می‌شوند که آگاهانه توسط دولت‌ها برنامه‌ریزی شده‌اند که اونوف آنها را نهادهای طراحی‌شده می‌نامد (Buzan, 2004: 181).

در مجموع بوزان معتقد است دولت‌ها یا نسبت به جامعه بین‌المللی تجدیدنظرطلب‌اند و یا اینکه از وضعیت موجود رضایت دارند. از این منظر دولت‌های تجدیدنظرطلب دولتهایی هستند که اعتقاد و باوری به نهادهای مؤسس جامعه بین‌الملل یا نهادهای ثانویه یا برخی از آنها ندارند. به نظر «تیم دان»^۳ رشد و افزایش قدرت دولت‌ها در پیوند با شیوه حضور آنها در جامعه بین‌المللی قرار می‌گیرد (Dunne, 1995). دولتهایی که نسبت به نهادهای غالب جامعه بین‌المللی اعتقاد یافته و بیشتر نهادهای جامعه بین‌المللی را ایده‌آل یافته‌اند، رشد و افزایش قدرتشان با کمترین محدودیت‌های بیرونی مواجه خواهد شد. رشد و افزایش قدرت دولتهایی که از سر محاسبه به جامعه بین‌المللی پیوسته‌اند، با دشواری‌های بیشتری مواجه خواهد شد و جامعه بین‌المللی بیشترین محدودیت‌ها را بر دولتهایی تحمیل خواهد کرد که از سر اجبار به جامعه بین‌المللی پیوسته باشند؛ رشد این‌گونه دولت‌ها حساسیت ایجاد می‌کند و موجب افزایش رقابت‌های امنیتی خواهد شد (Buzan, 2010).

در نمودار ۳ به محورهای مهم نهادهای اولیه-ثانویه و نزدیکی این رویکردها به دیدگاه‌های کثرت‌گرا و یا همبستگی اشاره شده است.

1. Barry Buzan
2. Nicholas Onuf
3. Tim Dunne

نمودار ۳. تبیین کثرت‌گرایی - همبستگی



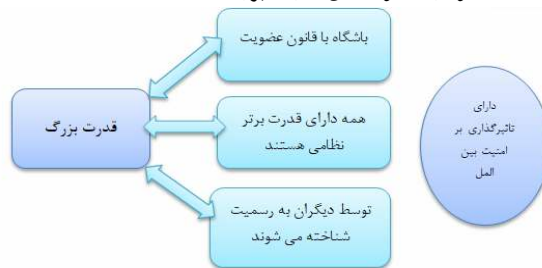
منبع: نگارنده

۳.۳. دوگانه قدرت‌های بزرگ و قدرت هژمون

هدلی بول (۱۹۷۷) به صورت مشخص سه مؤلفه را برای تعریف یا تبیین «قدرت بزرگ» مطرح می‌کند که به نظر می‌رسد هریک از این مؤلفه‌ها با توجه به شرایط دوران جنگ سرد مورد توجه قرار گرفته‌اند. هدلی بول این سه مؤلفه را به شرح زیر اعلام کرده است:

«... ابتدا اینکه دو یا چند قدرت وجود دارند که در وضعیت قابل مقایسه هستند؛ می‌توان گفت که باشگاهی با قانون عضویت وجود دارد، بنابراین نمی‌تواند به سادگی یک قدرت بزرگ وجود داشته باشد...؛ دوم، اینکه اعضای این باشگاه همه در رتبه اول از نظر قدرت نظامی‌اند، یعنی کشورهایی با عنوان قدرت بزرگ هستند که از نظر قدرت نظامی قابل مقایسه باشند و هیچ قدرتی برتر از آنها نیست...؛ سوم، قدرت‌های بزرگ قدرتهایی هستند که توسط دیگران به رسمیت شناخته می‌شوند و توسط رهبران و مردم این‌گونه تصور می‌شوند که دارای حقوق و وظایف ویژه هستند...» (Bull, 1977: 194-196).

نمودار ۴. مؤلفه‌های قدرت بزرگ



منبع: نگارنده

بر اساس دیدگاه هدلی بول، یک قدرت بزرگ به سادگی نمی‌تواند وجود داشته باشد، زیرا قدرت بزرگ دارای موقعیت منحصر به فرد در سیستم بین‌المللی و دارای شرایط خاصی است. از سوی دیگر اعضای باشگاه قدرت بزرگ به لحاظ نظامی در رتبه اول قرار دارند؛ یعنی قدرت‌های بزرگ از نظر قدرت نظامی با یکدیگر قابل مقایسه‌اند و هیچ کشور برتری از نظر قابلیت نظامی در میان آنها وجود ندارد. برای اینکه یک کشور به‌عنوان قدرت بزرگ در نظر گرفته شود، ضرورت دارد که آن کشور دارای سلاح هسته‌ای راهبردی باشد (Bull, 1977: 194). لئوپولد فون رنک^۱ (۱۹۸۸) در کتاب خود در خصوص قدرت‌های بزرگ تلاش می‌کند تا وضعیت نظامی یک قدرت بزرگ را از نظر خودکفایی یا استقلال متحدان تعریف کند. رنک قدرت بزرگ را این‌گونه تعریف می‌کند: «یک کشور به‌عنوان یک قدرت بزرگ باید بتواند ثابت کند که توانایی حفظ خود در برابر دیگران را حتی زمانی که متحد هستند، دارد» (Ranke, 1988: 203).

در این استدلال ویژگی تعیین‌کننده یک قدرت بزرگ، رابطه (افقی) آن با دیگر قدرت‌های بزرگ است، نه صرفاً رابطه (عمودی) آن با بقیه جامعه بین‌المللی. آنچه در ادامه می‌آید، اصرار بر غیرمجاز بودن یک قدرت بزرگ را به چالش می‌کشد، زیرا در غیر این صورت به‌عنوان قدرت هژمون شناخته می‌شود (Bull, 1977: 194). «هژمونی» اصطلاحی تحلیلی برای مفهوم‌سازی دوره‌های مختلف تاریخی است. این مفهوم پس از سال ۱۹۴۵، از دو رویداد کلیدی انحلال نظم سیاسی بین‌المللی بر پایه امپراتوری‌های استعماری اروپا و ایجاد اقتصاد بین‌المللی لیبرال در واقع پس از جنگ جهانی دوم و تحت رهبری آمریکا رشد پیدا کرد. در حوزه اقتصاد سیاسی بین‌المللی، پیدایش مفهوم «هژمونی» از سویی از ایده نظم هژمونی یا تسلط در اقتصاد جهانی (همانند آنچه در نظریه سیستم‌های جهانی امانوئل والرشتاین^۲ در اوایل دهه ۱۹۷۰ بیان کرده بود) ریشه می‌گرفت و از سوی دیگر از تحلیل چارلز کیندلبرگر^۳ از رکود بزرگ که بعدها به‌عنوان «نظریه ثبات هژمونیک» شناخته شد، تأثیر پذیرفت. جان ایکنبری^۴ نیز درک هژمونی از دیدگاه لیبرال-نهادگرایانه را در رابطه با نظم بین‌المللی پس از سال ۱۹۴۵ بیان کرد. منتقدان رویکرد هژمونی، قدرت و رفتار دولت را در ساختار اجتماعی و اقتصادی سرمایه‌داری دسته‌بندی می‌کنند و طبقات اجتماعی را به‌عنوان مرکز ایجاد و تکامل دستورهای

1. Leopold von Ranke
2. Wallerstein
3. Charles Kindleberger
4. John Ikenberry

هژمونی در نظر می‌گیرند. این محققان در درجه‌های مختلف از نظریه هژمونی توسعه‌یافته توسط آنتونیو گرامشی^۱ بهره‌برداری کرده‌اند (Saul, 2010).

۴. یافته‌های پژوهش: تجزیه و تحلیل رویکرد بریتانیای جهانی در دوره پسابریگزیت بر اساس مکتب انگلیسی

پس از فراندوم برگزیت در سال ۲۰۱۶، دیدگاه‌های موافق و مخالف در زمینه رویکرد «بریتانیای جهانی» و برجسته کردن آن در دوره پسابریگزیت مورد توجه قرار گرفت. موافقان برگزیت و رویکرد بریتانیای جهانی موارد و شواهدی زیادی مبنی بر تلاش بریتانیا برای تقویت همبستگی با جامعه بین‌المللی و همسایگان اروپایی، تمرکز بر موضوع امنیت مشترک و در نهایت احیای وضعیت قدرت بزرگ بریتانیا در دوره پسابریگزیت را مورد اشاره قرار می‌دهند. در این زمینه برای نخستین مرتبه رویکرد بریتانیای جهانی پس از فراندوم سال ۲۰۱۶ توسط ترزا می^۲ نخست‌وزیر اسبق بریتانیا استفاده شد. آن زمان ترزا می «دیدگاه بلندپروازانه برای بریتانیا پس از برگزیت»^۳ را منعکس کرد (May, 2016). بوریس جانسون^۴ نیز به‌عنوان وزیر خارجه وقت در همان سال قصد دولت برای ادامه اجرای «سیاست خارجی واقعاً جهانی»^۵ را مورد اشاره قرار داد (Johnson, 2016). بوریس جانسون به‌عنوان نخست‌وزیر نیز، اصرار بر خروج فوری این کشور از اتحادیه اروپا را مورد توجه قرار داد. او درباره خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا معتقد است: «این پایان نه، بلکه آغاز فصل جدیدی در تاریخ بریتانیاست» (Anadolu Agency, 2020).

نمایندگان پارلمان بریتانیا در دوره پسابریگزیت با رویکرد انتقادی در خصوص مفهوم بریتانیای جهانی سؤالاتی را مطرح کردند. در سال ۲۰۱۸ کمیته امور خارجه، تحقیقاتی برای کسب اطلاعات بیشتر درباره مفهوم «بریتانیای جهانی» انجام داد و اعلام کرد مشخص نیست که این رویکرد چه چیزی را نشان می‌دهد یا چگونه عملیاتی شدن آن را می‌توان اندازه‌گیری کرد (UK Parliament, 2021). دومینیک راب^۶، وزیر امور خارجه اسبق بریتانیا، چشم‌انداز دولت «بریتانیای جهانی» را با سه مؤلفه «اتحاد با شرکا و دوستی با همسایگان اروپایی»، «تأکید بر نقش این کشور به‌عنوان یک قهرمان در زمینه تجارت آزاد» و «تأکید بر نقش بریتانیا به‌عنوان یک نیروی قوی برای توسعه خیر در جهان» نشان داد (Raab, 2020). در اصل سیاست

1. Antonio Gramsci
2. Theresa May
4. Our ambitious vision for Britain after Brexit
5. Boris Johnson
6. Truly global foreign policy
7. Dominic Raab

خارجی بریتانیا پس از برگزیت دارای برنامه امنیتی، دیپلماتیک و توسعه تجارت است. یکی از وزیران خارجه اسبق دیوید اوون^۱ و دیپلمات سابق دیوید لادلو^۲، با وجود مخالفت با برگزاری فراندوم برگزیت، استدلال می‌کنند که نقش و نفوذ جهانی بریتانیا می‌تواند پس از برگزیت افزایش یابد (Owen & Ludlow, 2017). به نظر می‌رسد بر اساس مفاهیم محوری مکتب انگلیسی از جمله دوگانه همبستگی‌گرایی-کثرت‌گرایی، نهادهای اولیه- نهادهای ثانویه و قدرت بزرگ- قدرت هژمون، بهتر و عملیاتی‌تر می‌توان دلایل و تحلیل‌های رویکرد بریتانیای جهانی به‌ویژه پس از برگزیت را ارزیابی کرد.

۱.۴. رویکرد کثرت‌گرایانه و برگزیت

همان‌گونه‌که اشاره شد یکی از مباحث کلیدی مکتب انگلیسی حول موضوع کثرت‌گرایی و همبستگی است. در این بخش تلاش شده است تا با کمک اصل کثرت‌گرایی، رویکرد «بریتانیای جهانی» و خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا تبیین شود. کثرت‌گرایی به جامعه بین‌المللی با درجه نسبتاً پایینی از هنجارها، قوانین و نهادهای مشترک اشاره دارد، درحالی‌که همبستگی بر درجه نسبتاً بالایی از هنجارها، قوانین و نهادهای مشترک تأکید می‌کند (Stivachtis, 2018). بحث کثرت‌گرایی و همبستگی اساساً در مورد چگونگی ارتباط جامعه بین‌المللی با جامعه جهانی است. تفسیر کثرت‌گرایانه اعتقاد دارد با وجود معیارهای عضویت در اتحادیه اروپا (وضعیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی)، هر کشور دارای حاکمی است که مسئول قلمرو و مردم خود است. در مقابل، دیدگاه همبستگی تأکید دارد اتحادیه اروپا این اختیار را دارد که قدرت خود را بر سایر کشورهای عضو تحمیل و همه کشورها را به یک کشور متحد تبدیل ساخته و حتی در امور داخلی آنها مداخله کند (Stivachtis, 2018). بوزان معتقد است اتحادیه اروپا یک جامعه منطقه‌ای است که در آن عناصر استواری از جامعه از طریق تعاملات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی توسعه یافته است. از دیدگاه بوزان، جامعه اتحادیه اروپا را می‌توان همبسته در نظر گرفت، زیرا تمرکز جامعه تنها بر همزیستی و رقابت نیست، بلکه همکاری در جهت دستیابی به دستاوردها و تحقق ارزش‌های مشترک است (Buzan & Hansen 2009). با این حال، دیز و ویتمن^۳ استدلال می‌کنند که جامعه اتحادیه اروپا هسته اصلی جامعه بین‌المللی اروپایی است که در سده هفدهم ایجاد شد و عضویت در جامعه اتحادیه اروپا باید از عضویت در جامعه بین‌المللی اروپایی متمایز شود (Diez & Whitman, 2002). بنابراین کشورهایی که نیاز به عضویت در اتحادیه اروپا دارند، با منافع و ارزش‌های مشترک اتحادیه اروپا شناسایی

1. David Owen
2. David Ludlow
3. Diez and Whitman

می‌شوند و قوانین و نهادهای اتحادیه اروپا را می‌پذیرند (Seagle, 2014)، اما در عمل اتحادیه اروپا، شامل دو لایه از دولت‌هاست؛ یک لایه دولت‌هایی هستند که تمایل به رهبری دارند و لایه‌ای دیگر از دولت‌ها که تمایل به پیروی دارند. در واقع با عضویت هر کشور در اتحادیه اروپا آن کشور عضو باید به مواردی نظیر همبستگی و منافع مشترک توجه کند. علاوه بر این میان برخی اعضای اتحادیه اروپا به‌ویژه در لایه‌ای که تمایل به رهبری دارند، رقابت زیادی وجود دارد. در واقع تأکید بریتانیا به عدم همسانی با کشورهای کوچک‌تر عضو اتحادیه و در نهایت گرایش این کشور به کثرت‌گرایی همواره مشهود بوده است (Seagle, 2014). در واقع ناسازگاری بریتانیا با اتحادیه اروپا ریشه در تاریخ، جامعه و نظام‌های سیاسی نیز دارد، زیرا دولت‌های حاکم در بریتانیا به دنبال تقویت و تداوم سنت، روش و نقش بریتانیایی بوده و همچنان هستند (Sabbaghian & Bagheri, 2016: 956). بر این اساس، برگزیت و گرایش به بریتانیای جهانی را می‌توان به‌عنوان واکنش و یا مخالفت بریتانیا به همبستگی فزاینده اتحادیه اروپا در نظر گرفت. این واکنش که توسط بریتانیایی‌ها برانگیخته شد، بیانگر این است که اروپای وسیع‌تر و سطحی بهتر از اروپای عمیق است. با این حال، از نظر بسیاری از ناظران بریتانیایی، اروپا مانند گذشته در برابر این دیدگاه ایستادگی خواهد کرد و هر روز گسترده‌تر و عمیق‌تر خواهد شد، درحالی‌که بریتانیایی‌ها معتقدند که این امر (عضویت در اتحادیه اروپا) پیامدهای منفی عمیقی بر حاکمیت ملی آنها داشته است (Wilson & Oliver, 2020: 17).

فقدان اشتراک فرهنگی با ارزش‌های مشابه میان بریتانیا و اتحادیه اروپا، این اتحادیه را به جامعه‌ای کثرت‌گرا مبدل کرد، اما بر اساس قوانین و قواعد همزیستی، منافع امنیتی جنبه ارزش مشترک پیدا می‌کند؛ به این معنا که برخی اعضا با قوانین همزیستی موجود در اتحادیه اروپا به دلیل اهمیت امنیتی آن موافقت می‌کنند (Seagle, 2014). بنابراین توجه به این نکته مهم است که جذب عنصر جامعه در سطح منطقه‌ای به دلیل تعامل مستمر بین سیستم و جامعه در سطوح منطقه‌ای و جهانی چالش برانگیز است. دولت‌ها ممکن است زمانی که درگیر همزیستی و رقابت برای کسب جایگاه در سطح جهانی می‌شوند، گرایش‌های کثرت‌گرایانه و زمانی که هنجارها، قوانین و نهادهای مشترک در سطح منطقه‌ای دارند، تمایلات همبستگی‌گرایانه از خود بروز دهند. محققانی که بر جامعه اتحادیه اروپا تمرکز دارند، موضوعاتی از جمله اشتراک حاکمیت، سرزمین، دیپلماسی و مدیریت قدرت بزرگ را به‌عنوان منعکس‌کننده اشتراکات در سطح جهانی می‌دانند، درحالی‌که حاکمیت، تعامل با نهادهای اتحادیه اروپا، امنیت و فدرالیسم منعکس‌کننده سطح منطقه‌ای است (Seagle, 2014). در واقع به نظر می‌رسد بریتانیا با در نظر گرفتن رویکرد «بریتانیای جهانی» در سیاست خارجی و تقویت این رویکرد به‌ویژه پس از برگزیت به سمت کثرت‌گرایی و نظم جامعه بین‌المللی حرکت کرده و بر مسائلی نظیر

حاکمیت در جامعه کثرت‌گرای بین‌المللی، افزایش نفوذ در حوزه‌های پیرامونی و رهبری کشورهای مشترک‌المنافع را مورد توجه قرار داده است (McBride, 2020).

رویکرد بریتانیای جهانی پس از برگزیت را می‌توان از سه زاویه روابط بریتانیا با کشورهای اروپایی (در چارچوب کثرت‌گرایی در روابط دوجانبه و همبستگی در مسائل امنیتی)، نقش بریتانیا در سازمان ملل متحد (با تمرکز بر کثرت‌گرایی موضوعی و همبستگی یورواتلانتیکی در حوزه امنیت) و نفوذ بیشتر بر کشورهای مشترک‌المنافع (در چارچوب رویکرد کثرت‌گرایی) سنجید. رویکرد بریتانیای جهانی در دوره پسابزرگیت در عمل انگیزه‌ای برای بازنگری راهبرد دیپلماتیک بریتانیا از جمله پیامدهای آن برای جایگاه بریتانیا در اروپا بوده است. وایت‌هال^۱ معتقد است موضع دیپلماتیک و امنیتی بریتانیا در اروپا پس از برگزیت بازنگری شده و رویکرد بریتانیا به‌ویژه در زمینه امنیت در منطقه یورواتلانتیک متمرکزتر و در چارچوب همبستگی بیشتر برنامه‌ریزی شده است. نمونه عینی مورد اشاره هال در رویکرد بریتانیای جهانی این است که بریتانیا، روسیه را به‌عنوان یک «تهدید حاد و مستقیم» به‌ویژه پس از حمله به اوکراین در نظر می‌گیرد (Whitman & Hadfield, 2023).

عضویت دائم بریتانیا در شورای امنیت سازمان ملل متحد تضمین تأثیرگذاری و اهمیت این کشور در اتخاذ تصمیمات بین‌المللی است. بریتانیا در دوره پسابزرگیت به‌دنبال مدیریت پیامدهای بالقوه یا افزایش ظرفیت نفوذ خود در مجمع عمومی و شورای امنیت بوده است. رهبری بریتانیا در تشکیل ائتلاف‌ها و تکمیل متون کلیدی از جمله قطعنامه‌ها افزایش یافته است (Gifkins, 2019). مولزورت و هگ^۲ معتقدند بریتانیا کشوری دارای یک شبکه دیپلماتیک با تجربه در زمینه صلح‌سازی در جامعه مدنی و دانشگاه است. این تمایل طولانی بیانگر رهبری در صحنه جهانی است که در حال حاضر در مفهوم دولت از «بریتانیای جهانی» تجسم یافته است. در مجموع مولزورت و هگ معتقدند رویکرد بریتانیا در دوره پسابزرگیت در سازمان ملل در حوزه‌های موضوعی کثرت‌گرایانه است و در این میان اهمیت ویژه‌ای برای حوزه امنیت قائل است (Molesworth & Hug, 2021). با اعلام رسمی خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، این کشور به‌غیر از حوزه امنیتی در سایر حوزه‌ها از رویکرد همبستگی به سمت رویکرد کثرت‌گرایی حرکت کرده است. بر این اساس، بریتانیا به‌دنبال افزایش نفوذ و کنترل خود در داخل کشورهای مشترک‌المنافع است. این موضوع در سیاست خارجی بریتانیا پس از برگزیت به‌خوبی قابل تحلیل است. لندن از چشم‌انداز سیاست خارجی بیرون‌نگر «بریتانیای جهانی» حمایت کرده است. مرکز این هدف برای احیای بریتانیا در صحنه جهانی، کشورهای

1. Whitehall
2. Molesworth & Hug

مشترک‌المنافع است. نهادی که متشکل از برخی کشورها که تقریباً همه قاره‌ها را در برمی‌گیرد و در نتیجه امپراتوری بریتانیا تکامل یافته‌اند، است. علاوه بر این، برخی سیاستگذاران معتقدند آینده بریتانیا پس از خروج از اتحادیه اروپا باید در تعمیق تجارت و مهاجرت با کشورهای مشترک‌المنافع باشد (McBride, 2020).

۲.۴. گرایش بریتانیا به حفظ مرزها و حاکمیت ملی به‌عنوان نهادهای اولیه

در این بخش با استفاده از اصل نهادهای اولیه و ثانویه، استدلال می‌شود که خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، نه تنها ناقض تعهد بریتانیا نسبت به اصل نهادهای اولیه نیست، بلکه اعتراض و به چالش کشیدن اتحادیه به‌عنوان یک نهاد ثانویه است. از سوی دیگر، افزایش تعهد و تمایل بریتانیا به نهادهای دیگری چون کشورهای مشترک‌المنافع و ناتو (McBride, 2020) بیانگر آن است که بریتانیا همچنان نسبت به نهادهای ثانویه نیز معتقد است، اما آنچه بریتانیا را از اتحادیه اروپا دور می‌کند، کارکردهای همبستگی‌گرایانه آن است (Whitman & Hadfield, 2023). جانسون نخست‌وزیر سابق بریتانیا در این زمینه معتقد است:

«...ما یک توافق جدید (با اروپا) انجام خواهیم داد، یک توافق بهتر که فرصت‌های برگزیت را به حداکثر برساند. این توافق به ما اجازه می‌دهد تا یک مشارکت جدید و جذاب با بقیه اروپا را بر اساس تجارت آزاد و حمایت متقابل توسعه دهیم... زمان آن رسیده که اقدام کنیم، تصمیم بگیریم، رهبری قوی داشته باشیم و کشور را به سمت بهتر تغییر دهیم... نقش طبیعی و تاریخی ما به عنوان یک بریتانیای کارآمد، بیرون‌نگر، واقعاً جهانی و سخاوتمندانه در ارتباط با بقیه جهان بازیابی می‌شود...» (Johnson, 2019).

بر اساس نظریه مکتب انگلیسی، نهادهای اولیه به‌جای ساختارهای بوروکراتیک بین‌المللی (نهادهای ثانویه)، رویه‌های بلندمدت دولت‌ها (مانند دیپلماسی، قانون و جنگ) را در اولویت دارند. از این نظر اتحادیه اروپا را می‌توان به‌عنوان یک سازمان در حال تحول از منظر فاصله گرفتن از نهادهای اولیه به‌دلیل تمرکز بر مفاهیم همگرایی و کنار گذاشتن مرزهای ملی در نظر گرفت. در این زمینه برخی محققان ممکن است استدلال کنند به دلایل خاصی مانند تجارت، مدیریت ارز مشترک و محیط زیست رویکرد اتحادیه اروپا بر مفاهیم حاکمیت، سرزمین و ناسیونالیسم تأثیر منفی گذاشته است. به‌عبارت دیگر از طریق اتحادیه اروپا، تجارت و آزادسازی مالی تقویت شده، اما مرزها یعنی اهمیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ضعیف شده است؛ هولستی^۱ در این زمینه استدلال می‌کند که نهادهای حاکمیتی و سرزمینی اولیه در ادغام دولت‌ها در اتحادیه اروپا تضعیف شده‌اند (Stivachtis, 2018). این در حالی است که بریتانیا از

ابتدای عضویت خود در اتحادیه اروپا و تا زمان برگزیت در عمل نشان داد که بیشتر موافق جنبه‌های بین دولت‌گرایی بوده و هرگونه ادغام بیشتر در چارچوب فرا ملی‌گرایی را تهدید حاکمیت خود تلقی کرده است (Sabbaghian & Bagheri, 2016: 965).

برگزیت را می‌توان صریح‌ترین نماد حاکمیت در اتحادیه اروپا و مهم‌ترین چالش برای فراملی‌گرایی محسوب کرد. برگزیت همچنین ممکن است شرایط جدیدی برای نهاد توازن قوا ایجاد کند و برای اولین بار در نیم قرن گذشته، بریتانیا به‌عنوان یک کشور بزرگ اروپای غربی خارج از محدوده حاکمیت‌های ادغام شده است. در ماده ۵۰ معاهده اتحادیه اروپا آمده است: «هر کشور عضو می‌تواند طبق الزامات قانون اساسی خود از اتحادیه اروپا خارج شود» (Cirlig, 2020: 5). در همین زمینه رابرت جکسون^۱ نقل‌قولی درباره حاکمیت بریتانیا دارد که می‌گوید از نظر نهادهای اولیه، زیرساخت‌های مشترک در این کشور شکل گرفته و نوعی همکاری به‌ویژه در زمینه‌های امنیتی و بعضاً اقتصادی ادامه دارد (Jackson, 1999)، اما از منظر نهادهای ثانویه به‌دلیل برداشت متفاوت و کثرت‌گرایانه، بریتانیا با تمرکز بر رویکرد بریتانیای جهانی به‌ویژه پس از فراندوم برگزیت تمرکز بیشتر بر نهادهای اولیه را در پیش گرفته است. در اصل، برگزیت دارای پیامدهای حقوقی بین‌المللی و مجموعه‌ای است که دارای عواقب سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حقوقی بوده و با فراندوم ژوئن ۲۰۱۶ بریتانیا و واکنش دولتی به آن شروع شد (Applebaum *et al.*, 2017). پس از دهه‌ها تقویت یکپارچگی و ادغام، بر اساس ماده ۵۰ معاهده اتحادیه، دولت بریتانیا اتحادیه اروپا را مجبور کرد تا به چالش پیچیده انشعاب از محورهای بسیاری که آنها را به هم پیوند می‌دهد، رسیدگی کند و مسیر کثرت‌گرایی را در پیش گیرد. در مجموع رویکرد بریتانیای جهانی در دوره پسابزرگزیت مستلزم درک عمیق مفاهیم حقوق بین‌الملل و شناسایی پیوندها (همبستگی) و گسست‌ها (کثرت‌گرایی) در اروپاست (Centre for international Government Innovation, 2022).

با توجه به دیدگاه بول و دیگر نظریه‌پردازان مکتب انگلیسی در خصوص جامعه بین‌الملل و کثرت‌گرایی آن، می‌توان گفت بریتانیا اگرچه برخی اصول مشترک با اروپا را پذیرفته، اما با رویکرد بریتانیای جهانی در دوره پسابزرگزیت دیدگاه خود را از همگرایی موردنظر در نهادهای ثانویه به کثرت‌گرایی مورد تأکید در نهادهای اولیه تغییر داده است. در واقع اگر اتحادیه اروپا به‌عنوان یک نهاد اقتصادی در چارچوب نهادهای ثانویه تلقی شود و قاعده همگرایی و همبستگی اتحادیه اروپا در نظر گرفته شود، در چنین شرایطی بریتانیا تصمیم گرفته است تمرکز خود را از اتحادیه اروپا به نهادهای داخلی، حفظ مرزها و حاکمیت جهانی بریتانیا مانند تمرکز بیشتر بر کشورهای مشترک‌المنافع و یا گسترش روابط امنیتی و اقتصادی با اتحادیه اروپا

1. Robert Jackson

از بیرون معطوف کند (McBride, 2020). می‌توان گفت بریتانیا با رویکرد بریتانیای جهانی در دوره پسابزرگیت با آن نهادهای ثانویه‌ای که در چارچوب کارکرد اقتصادی و اجتماعی و همبستگی ایجاد شده‌اند، فاصله گرفته و نفوذ خود بر نهادهایی را که کارکرد اساسی و در چارچوب نهادهای اولیه دارند، تقویت کرده است (Whitman & Hadfield, 2023).

۳.۴. بریتانیا در سودای «قدرت بزرگ» شدن

اصل «قدرت بزرگ» نیز به‌خوبی می‌تواند رویکرد بریتانیای جهانی در دوره پسابزرگیت را تبیین کند. بریتانیا عضویت خود در اتحادیه اروپا را به دلایل مختلف (مانند ساختار مساوات‌گرایانه اتحادیه و عدم به رسمیت شناختن برتری بریتانیا، مقررات دست‌وپاگیر همبستگی‌گرایانه و ...) نافی و یا مانع رسیدن خود به رتبه قدرت بزرگ تصور می‌کند. به همین دلیل بریتانیا با خروج از اتحادیه اروپا به دنبال تقویت جایگاه خود به‌عنوان یک قدرت بزرگ در سیاست جهانی بوده است (Garnett *et al.*, 2018). تلاش بریتانیا برای کسب جایگاه قدرت بزرگ را می‌توان در مؤلفه‌هایی از جمله بالا بودن توانمندی‌های بریتانیا نسبت به سایر کشورهای اروپایی، تقویت رابطه ویژه با آمریکا و اعمال قدرت و تسلط بیشتر بر کشورهای مشترک‌المنافع بررسی کرد.

در خصوص توانمندی‌های بریتانیا، ریشی سوناک نخست‌وزیر سابق این کشور ضمن حمایت از برگزیت معتقد است: «بریتانیا خارج از بلوک (اتحادیه اروپا) آزادتر، عادلانه‌تر و مرفه‌تر خواهد بود» (Brown & Scott, 2024).

چنانکه در بخش نظری مقاله اشاره شد، هدلی بول معتقد است برای اینکه یک دولت به‌عنوان قدرت بزرگ طبقه‌بندی شود، باید دارای رتبه اول از نظر قدرت نظامی باشد، توسط دیگران به رسمیت شناخته شود و توسط رهبران و مردم خود به‌عنوان صاحب برخی حقوق و وظایف خاص تصور شود (Bull, 1977). با در نظر گرفتن این رویکرد، اعتبار قدرت بزرگ بریتانیا بسیار قوی‌تر از آنچه معمولاً توصیف می‌شود بوده و رویکرد بریتانیای جهانی همچنان یک عامل تأثیرگذار در تعیین سیاست خارجی و دفاعی بریتانیاست. قدرت‌های بزرگ به‌دلیل برتری، به‌عنوان بازیگران اصلی صحنه بین‌المللی به‌شمار می‌روند که با اتخاذ سیاست‌های مؤثر، نقش مهمی در ارتقای نظم بین‌الملل دارند (Bull, 1977). از منابع عینی قدرت یک کشور برای به رسمیت شناختن آن به‌عنوان یک قدرت بزرگ می‌توان به مواردی مانند نیروهای مسلح، دارا بودن سلاح هسته‌ای، جمعیت، تولید صنعتی و توانمندی‌های تکنولوژیک اشاره کرد. مکتب انگلیسی جامعه و نگرش مردم یک کشور را هم به منابع قدرت اضافه می‌کند. بریتانیایی‌ها به گذشته خود گرایش زیادی دارند، زیرا معیار شخصیت خود را به‌عنوان نجیب‌زاده می‌پندارند و تاریخ خود را عرصه‌ای برای افتخار می‌دانند (Aghaei & Rasouli,

61: 2023). در نظر گرفتن نگرش مردم بریتانیا به قدرت بیانگر اهمیت وضعیت قدرت بزرگی بریتانیا برای مردم این کشور است. در میان بریتانیایی‌ها، نگرش جامعه و قدرت تاریخی، در کنار منابع مادی، از عوامل اصلی توصیف کشور به‌عنوان یک قدرت بزرگ است که می‌تواند به‌تنهایی منافع خود را دنبال کند و در نتیجه تصویری نسبتاً بدبینانه از ادغام با سایر کشورها ایجاد کند (Morris, 2011).

نکته دیگری که سودای قدرت بزرگ شدن را تقویت می‌کند، تلاش بیشتر بریتانیا برای پیروی و همکاری با آمریکا در دوران پسابزرگیت و در چارچوب رویکرد بریتانیای جهانی است. بریتانیا به‌دلیل محصور نبودن در اروپا پیوندی عمیق‌تر با آمریکا دارد و همین موضوع سبب شده است تا برای یافتن قدرت برتر یا هژمون به فراتر از اروپا توجه کند (Aghaei and Rasouli, 2023: 66). این انتخاب را می‌توان در چارچوب تلاش‌های بین‌المللی برای دستیابی به نظم بین‌المللی موردنظر بریتانیا تحلیل کرد. در واقع منافع ملی بریتانیا از منافع ملی آمریکا به‌عنوان قدرت هژمون تبعیت می‌کند و این موضوع را می‌توان بر اساس «رابطه ویژه بریتانیا و آمریکا» بررسی کرد. برای قضاوت در زمینه تناسب مطالبات رابطه ویژه با شرایط و اهداف کنونی بریتانیا در سیاست خارجی به‌خصوص رویکرد بریتانیای جهانی، ابتدا باید به تأمل در مورد آنچه به‌عنوان منافع ملی بریتانیا در سده بیست‌ویکم است، توجه کرد. مفهوم منافع ملی البته موضوعی بحث‌برانگیز است با این حال، انکارناپذیر است که دولت‌های متعدد بریتانیا در گذشته، سیاست خارجی خود را بر اساس مفهومی از «خوب» یا «بد» برای بریتانیا پایه‌گذاری کرده‌اند (Edmunds et al., 2014).

خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا و سودای تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ، پابندی این کشور به سیاست‌های آمریکا در جهان را افزایش می‌دهد. روبرت بیسنر^۱ پیش از برگزیت و در چارچوب رابطه ویژه بریتانیا با آمریکا معتقد است:

«بریتانیا امپراتوری خود را از دست داده و هنوز نقشی پیدا نکرده است... (بریتانیا) برای ایفای نقش قدرت بزرگ-یعنی نقشی جدا از اروپا، مبتنی بر رابطه ویژه با آمریکا، مبتنی بر رئیس دولت مشترک‌المنافع (که یک ساختار سیاسی فاقد وحدت و یا قدرت است، تلاش می‌کند» (Beisner, 2006: 631).

در راستای رابطه ویژه آمریکا و بریتانیا، گرانت، مابون و اسمیت^۲ اعتقاد دارند در مقایسه با دوره گذشته، بریتانیا به اندازه کافی قوی نیست، بنابراین همواره و به‌خصوص در دوره جنگ سرد بریتانیا تلاش کرده است خود را به‌عنوان معاون مشتاق دولت آمریکا در چارچوب «رابطه

1. Robert L Beisner

2. Mark Garnett, Simon Mabon and Robert Smith

ویژه» نشان دهد. برگزیت مهم‌ترین رویداد در دیپلماسی بریتانیا از زمان پایان جنگ جهانی دوم است. برای بیش از نیم قرن، بریتانیا نقش شایان توجهی در جهان داشته است، نقشی که تغییر از موقعیت سابق به‌عنوان یک امپراتوری جهانی را در پی داشت (Garnett et al., 2018). در ابتدای دهه دوم قرن بیست و یکم، بریتانیا به عنوان یک بازیگر بزرگ بین‌المللی و عضو نهادهای کلیدی امنیتی، اقتصادی و بین‌المللی (ناتو، اتحادیه اروپا و شورای امنیت سازمان ملل) و با داشتن توانایی‌های نظامی عمده از جمله سلاح هسته‌ای و رابطه ویژه با آمریکا مطرح گردید. در واقع سودای قدرت بزرگی بریتانیا و گرایش به رویکرد بریتانیای جهانی موجب شد بخشی از راهبرد دیپلماتیک جدید بریتانیا در دوره پسابزرگیت مبتنی بر رویکرد بریتانیای جهانی و عملیاتی کردن سیاست خارجی جهان‌شمول یادآور دوران امپراتوری این کشور باشد (Whitman & Hadfield, 2023).

موضوع دیگر قابل طرح در راستای سودای قدرت بزرگی بریتانیا قصد این کشور برای تقویت کنترل بر نهاد دیگری مانند کشورهای مشترک‌المنافع است. کشورهای مشترک‌المنافع یک انجمن آزاد از پنجاه و چهار کشور است که در سال ۱۹۴۹ تأسیس شد و از امپراتوری سابق بریتانیا شکل گرفت و اجلاس‌های منظمی را در تعقیب اهداف مختلف از جمله توسعه اقتصادی و تجارت، ترویج دموکراسی و تبادل فرهنگی برگزار می‌کند (McBride, 2020). برخی شواهد نیز نشان می‌دهد نفوذ و موقعیت بریتانیا در نقاط مختلف جهان در حال افزایش است. برای مثال با افزایش تنش‌ها بین روسیه و غرب، نفوذ بریتانیا در اوکراین افزایش یافته (Bagheri & Kazemi, 2023) و موضع آن در قبال روسیه و چین نسبت به قبل با تنش بیشتری همراه بوده است. اخیراً بریتانیا نقش مهمی در تقویت ظرفیت نظامی اوکراین، توسعه هماهنگی ناتو در منطقه اروپای شرقی و کمک به جلوگیری از پیشروی روسیه در جنگ اوکراین ایفا کرده است (Vorotnyuk, 2021). مایکل کلارک^۱، مدیر سابق مؤسسه خدمات متحد سلطنتی معتقد است:

«امنیت سنتی یکی از معدود حوزه‌هایی است که هنوز بریتانیا در آن نسبتاً قوی است و تحت تأثیر برگزیت قرار نمی‌گیرد... این یکی از معدود حوزه‌هایی است که شرکای اروپایی ما هنوز باید آن را جدی بگیرند. بریتانیا این فرصت را دارد که نشان دهد بریتانیای جهانی در یک زمینه امنیتی مهم چه مفهومی دارد» (Hughes & Foy, 2022).

ریچارد مور^۲ رئیس سازمان اطلاعاتی خارجی بریتانیا معتقد است پکن «عملیات جاسوسی» علیه بریتانیا انجام می‌دهد، متحدان چین، که به‌طور فزاینده‌ای اعضای خود را در

1. Michael Clarke
2. Richard Moore

سراسر جهان افزایش می‌دهند، یکی از بزرگ‌ترین تهدیدها برای بریتانیا و متحدانش هستند. مور چین را «مهم‌ترین تمرکز راهبردی» سازمان اطلاعات خارجی بریتانیا نامید و گفت: «ما به‌طور فزاینده‌ای وظیفه داریم تا اطلاعاتی در خصوص چگونگی استفاده دولت‌های متخاصم از هوش مصنوعی به روش‌های مضر، بی‌پروا و غیراخلاقی را به‌دست آوریم» (Lawless, 2023). در مجموع بریتانیا با تمرکز بر رویکرد بریتانیای جهانی در سیاست خارجی به‌ویژه در دوره پسابرگزیت و با رهایی از محدودیت‌های عضویت این کشور در اتحادیه اروپا در سودای تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ بوده و تلاش دارد نفوذ خود را در مناطق مختلف جهان از جمله در کشورهای مشترک‌المنافع افزایش دهد و با کمک متحد اصلی خود یعنی آمریکا با سایر قدرت‌های بزرگ مخالف و یا رقیب (نظیر روسیه و چین) در زمینه‌های مختلف امنیتی، سیاسی و اقتصادی مقابله کند.

۵. نتیجه

بر اساس رویکرد مکتب انگلیسی، گرایش بریتانیای جهانی در دوره پسابرگزیت به سمت کثرت‌گرایی و تمرکز بر نهادهای اولیه مانند حفظ مرزها و حاکمیت ملی استوار شده است. به‌عبارت دیگر، خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا (برگزیت) را می‌توان از منظر مکتب انگلیسی به ویژه با اشاره به مفاهیم کلیدی آن نظیر کثرت‌گرایی، نهادهای اولیه و قدرت بزرگ توضیح داد. بر اساس این سه مؤلفه، با اعلام خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، این کشور از همبستگی‌گرایی به سمت کثرت‌گرایی، از نهادهای ثانویه به‌سوی نهادهای اولیه و تمرکز بر بازنمایی خود به‌عنوان یک قدرت بزرگ در چارچوب رابطه ویژه با آمریکا حرکت کرده است. بر اساس کثرت‌گرایی، موضوعاتی مانند نگاه به بیرون با تمرکز بر حاکمیت ملی در جامعه کثرت‌گرای بین‌المللی دارای اهمیت است. بریتانیا پس از برگزیت از نهادهای ثانویه با کارکردهای اجتماعی و اقتصادی اتحادیه اروپا فاصله گرفته و بر نهادهای اولیه متمرکز شده است؛ به‌عبارت دیگر می‌توان گفت بریتانیا از آن نهادهای ثانویه‌ای که عملکرد اقتصادی و اجتماعی دارند فاصله گرفته و نفوذ خود را بر نهادهایی که کارکرد اساسی‌تری مانند موضوع امنیت دارند، تقویت کرده است. رویکرد بریتانیای جهانی در دوره پسابرگزیت به بریتانیا اجازه می‌دهد تا به دنبال بازیابی قدرت خود برای ایجاد اصول جدید در فرایند نهادهای ثانویه در جهان باشد. خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا همچنین نشان‌دهنده تلاش‌های این کشور برای بازیابی نقش خود به‌منزله یک قدرت بزرگ همانند گذشته است. در مجموع بر اساس یافته‌های این پژوهش رویکرد بریتانیای جهانی در دوره پسابرگزیت عبارت است از گرایش سیاست خارجی بریتانیا از همبستگی‌گرایی به کثرت‌گرایی، توجه بیشتر به نهادهای اولیه، بازیابی وضعیت قدرت بزرگ

بریتانیا و تقویت آن در راستای رابطه ویژه با آمریکا به‌عنوان قدرت هژمون. به‌عبارت دیگر، بریتانیا در چارچوب رویکرد «بریتانیای جهانی» در سیاست خارجی به‌ویژه پس از برگزیت، قصد دارد همچنان به نقش خود به‌منزله یک قدرت بزرگ و پیروی از هژمون در سطح بین‌المللی بپردازد.

در پایان باید گفت درحالی‌که هزینه‌های خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا شایان توجه است، اما پیامدهای سیستمی بلندمدت آن برای اتحادیه اروپا گسترده نخواهد بود. در واقع پیامد اصلی برگزیت بیانگر بازنمایی و تأکید بر نقش بریتانیا به‌عنوان یک قدرت بزرگ است. از سوی دیگر گسترش اقدام‌ها و حوزه‌های نفوذ بریتانیا در پابندی بیشتر به آمریکا مشهودتر شده است. بنابراین اگرچه برگزیت تأثیر عمیقی بر تداوم همگرایی اروپایی ندارد، اما با توجه به سه مفهوم مهم مکتب انگلیسی (کثرت‌گرایی، نهادهای اولیه و قدرت بزرگ)، آثار و تغییرات آن در رویکرد سیاسی بین‌المللی بریتانیا به‌عنوان بریتانیای جهانی مشهود است.

۶. قدردانی

از فصلنامه سیاست دانشگاه تهران به‌دلیل اهتمام به نشر آثار بنیادین و نظری در حوزه مبانی اندیشه سیاسی، صمیمانه سپاسگزاریم.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد؛ و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را که شامل پرهیز از سرقت ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک‌بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره می‌شوند، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

References

1. Aghaei, S. D; Rasouli, R. (2023). "The influence of British political culture on leaving the European Union", Policy Quarterly, Journal of the Faculty of Law and Political Sciences of Tehran University, Volume 53, Number One, pp. 53-81. jfq.ut.ac.ir/article_93712_0250f4235ef06779da6e5037670e667b.pdf. [In Persian]
2. Anadolu Agency. (2020). "Britain's membership of the European Union ended after 47 years", Available at: <https://www.aa.com.tr/fa> (Accessed on 28.07.2024)
3. Applebaum, A; Ford, R; and et.al. (2017). "Britain After Brexit, journal of democracy", Volume 28, Number 1. Available at: https://www.journalofdemocracy.org/wp-content/uploads/2017/01/04_28.1_Ford-Goodwin-pp-17-30.pdf. (Accessed on 28.7.2024)
4. Bagheri, R; Kazemi, A (2023). "Re-securitization of Russia by NATO and Western countries based on the theory of collective security", Journal of Country Studies, Faculty of World Studies, University of

- Tehran, Volume 1, Number 4, pp. 607-630. article_94136_23395e9c647271de219d0b04e45ed6e5.pdf (ut.ac.ir). [In Persian]
5. Bain, W (2010). "The Pluralist-Solidarist Debate in the English School", international studies association and Oxford University press, doi: <https://doi.org/10.1093/acrefore/9780190846626.013.342>.
 6. Bain, W (2020) "Pluralism and Solidarism, Trends in European IR Theory", Available at: https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-3-030-56055-3_7 (Accessed on 28.07.2024).
 7. Balkan, D; Patrick, J (2005). "The English School, International Relations and Progress", International Studies Review Available at: file:///C:/Users/User/Downloads/The_English_School_International_Relations_and_Pro.pdf (Accessed on 28.07.2024).
 8. Beisner, R (2006). "Dean Acheson: A Life in the Cold War", Oxford University Press, Available at: <https://doi.org/10.1093/oso/9780195045789.001.0001> (Accessed on 28.07.2024)
 9. Brown, f; Scott, J (2024). "Rishi Sunak: What you need to know about the UK's first British Asian prime minister", Available at: <https://news.sky.com/story/who-is-rishi-sunak-what-you-need-to-know-about-the-uks-first-british-asian-prime-minister-12729190> (Accessed on 28.07.2024)
 10. Bull, H (1966). "The Grotian conception of international society", In Diplomatic investigations: essays in the theory of international politics, eds. H. Butterfield and M. Wight, London: George Allen and Unwin, Available at: The Grotian Conception of International Society (1966) | SpringerLink (Accessed on 28.07.2024).
 11. Bull, H (1977). "The anarchical society: a study of order in world politics", London: Macmillan, Available at: The Anarchical Society: A Study of Order in World Politics | SpringerLink (Accessed on 28.07.2024).
 12. Bull, H (1982). "Civilian Power Europe: A Contradiction in Terms?" JCMS: Journal of Common Market Studies, 21(2), 149-170. doi:10.1111/j.1468-5965.1982.tb00866.x.
 13. Bull, H (2002). "The Anarchical Society A Study of Order in World Politics", Third Edition, Columbia University Press, Palgrave.
 14. Bull, H; Watson, A (Eds) (1984). "The expansion of international society", Oxford University Press, USA, doi:10.2307/20042191
 15. Buzan, B; Hansen, L (2009). "The evolution of international security studies", Published in the United States of America by Cambridge University Press, New York, doi: <https://doi.org/10.1017/CBO9780511817762>
 16. Buzan, B; Hansen, L (2010). "China in International Society: Is 'Peaceful Rise' Possible?" Chinese Journal of International Politics 3 (1): 5-36, doi: <https://doi.org/10.1093/cjip/pop014>
 17. Buzan, B; Hansen, L (2014). "An Introduction to the English School of International Relations", Cambridge: Polity Press, doi:10.1177/0010836715610595
 18. Buzan, B; Pelaez, A.G (2004). "From international to world society? English school theory and the social structure of globalization",

- Cambridge: Cambridge University Press, ISBN 978-0-511-18590-8 doi: <https://doi.org/10.1017/S153759270560014X>
19. Buzan, B; Pelaez, A.G (2004). "International Society and the Middle East", *English School Theory at the Regional Level*, Palgrave Macmillan.
 20. Centre for international Government Innovation, (2022). "Brexit: The International Legal Implications" Available at: <https://www.cigionline.org/series/brexit-international-legal> (Accessed on 28.07.2024).
 21. Cristina C (2020). "How the EU has applied the 'exit' clause", *European Parliamentary Research Service*, November, Available at: Article 50 TEU in practice: How the EU has applied the 'exit' clause | Think Tank | European Parliament (europa.eu) (Accessed on 28.07.2024).
 22. Diez, T; Whitman, R (2002). "Comparing Regional International Societies: The Case of Europe". Paper for presentation at the ISA Annual Convention, New Orleans, Available at: *Comparing Regional International Societies: The Case of Europe — University of Birmingham* (Accessed on 28.07.2024).
 23. Dunne, T (1995). "International Society: Theoretical Promises Fulfilled?" *Cooperation and Conflict*, 30 (2), pp. 125-154, Available at: *International Society: Theoretical Promises Fulfilled?* on JSTOR (Accessed on 28.07.2024).
 24. Edmunds, T; and et.al. (2014). "British Foreign Policy and the National Interest Identity", *Strategy and Security*, Palgrave, Macmillan, Available at: *British Foreign Policy and the National Interest: Identity, Strategy and Security* | SpringerLink (Accessed on 28.07.2024).
 25. Garnett, M; Madon, S; Smith, R (2018). "British Foreign Policy since 1945", Routledge, New York.
 26. Gifkins, J; Ralph, J (2019). "Global Britain in the United Nations" https://una.org.uk/sites/default/files/UNA-UK_GlobalBritain_20190207d.pdf. (Accessed 21 Mar 2024).
 27. Hughes, L; Foy, H (2022). "Global Britain' seeks to show its military worth in Ukraine", Available at: <https://www.ft.com/content/5b68d1a1-ed2d-4d65-b8ba-38c3fde0227f> (Accessed on 28.07.2024).
 28. Johnson, B (2016). "Beyond Brexit: a Global Britain, Foreign Secretary delivers first major policy speech at Chatham House", available at: <https://www.gov.uk/government/speeches/beyond-brexit-a-global-britain> (Accessed on 28.07.2024).
 29. Johnson, B (2019). "First Speech as PM in Full", Available at: <https://www.bbc.co.uk/news/uk-politics-49102495> (Accessed 11 May 2024).
 30. Lawless, J (2023). "Britain's MI6 chief says his spies are using AI to disrupt flow of weapons to Russia", Available at: <https://apnews.com/article/mi6-spy-chief-moore-prague-russia-iran-cfb837ebdfa3db8043dc655cbf3573d5> (Accessed on 28.07.2024).
 31. Maryna, V (2021). "Security Cooperation between Ukraine and the UK", 10 November, Available at: <https://rusi.org/explore-our-research/publications/commentary/uk-ukraine-security-cooperation> (Accessed on 28.07.2024).

32. May, T (2016). "Britain after Brexit", A vision of a Global Britain May's Conference speech: full text, Available at <https://conservativehome.com/2016/10/02/britain-after-brex-it-a-vision-of-a-global-britain-theresa-mays-conservative-conference-speech-full-text/> (Accessed on 28.07.2024).
33. McBride, J (2020). "The Commonwealth of Nations: Brexit and the Future of Global Britain", Council on Foreign Relations, doi: <https://doi.org/10.1057/s41311-023-00489-x> Available at: <https://www.cfr.org/backgrounder/global-britain-and-commonwealth-nations> (Accessed on 28.07.2024).
34. Molesworth, T; Hug, A (2021). "Understanding UK Engagement in FCACs, In a Force for Good? Examining UK Engagement in Fragile and Conflict Affected Countries", the Foreign Policy Centre, Available at: A 'Force for Good?': Examining UK engagement in Fragile and Conflict Affected Countries - The Foreign Policy Centre (fpc.org.uk) (Accessed on 28.07.2024).
35. Morris, J (2011). "How Great Is Britain? Power, Responsibility and Britain's Future Global Role", British Journal of Politics and International Relations, 13 (3), 326-347. doi:10.1111/j.1467- 856X. 2011.00450.x.
36. Owen, D; Ludlow. (2017). "British foreign policy after Brexit", London: Biteback, Available at: British Foreign Policy Post-Brexit: Pursuing a New Role for 'Global Britain'? (lse.ac.uk) (Accessed on 28.07.2024).
37. Raab, D (2020). "Global Britain, the Secretary of State for Foreign and Commonwealth Affairs and First Secretary of State", Volume 671, Available at: <https://hansard.parliament.uk/Commons/20200203/debates/2002039000001/GlobalBritain> (Accessed on 28.07.2024).
38. Ranke, L (1988). "The Great Powers", Edited by Georg G. Iggers (2010), Routledge University Press Available at: <https://www.taylorfrancis.com/books/mono/10.4324/9780203839195/theory-practice-history-leopold-von-ranke-georg-iggers?context=ubx&refId=38256f2f-fecc-4efa-99ca-bb13c0a9ca51> (Accessed on 28.07.2024).
39. Sabbaghian, A; Bagheri, A. (2016). "Structured analysis of British and European Union relations from membership to Brexit: based on approaches between governmentalism and transnationalism", Policy Quarterly, Journal of Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Volume 47, Number 4, pp. 968-949.[In Persian]
40. Saul, R (2010). "Hegemony and the Global Political Economy", Available at: <https://oxfordre.com/internationalstudies/display/10.1093/acrefore/9780190846626.001.0001/acrefore-9780190846626-e-208> (Accessed on 28.07.2024).
41. Seagle, A (2014). "The European Union: A Regional International Society from the Point of View of the Romanian Governmental Elites", SSRN Electronic Journal, doi: 10.2139/ssrn.2491417.
42. Stivachtis, Y (2018). "Introducing the English School in International Relations Theory", FEB 23, Available at: <https://www.e->

- ir.info/2018/02/23/introducing-the-english-school-in-international-relations-theory/ (Accessed on 28.07.2024).
43. Suganami, H (2010). "The English School in a Nutshell", Corpus ID: 158860957, Available at: <https://www.semanticscholar.org/paper/The-English-School-in-a-Nutshell-Suganami/e39e95d37c617534d000e8898c274d9413a10e82> (Accessed on 28.07.2024).
 44. UK Parliament. (2021). "International affairs and defence: Parliamentary debates and statements in the 2019-21 sessions", House of Commons Library, Available at: https://commonslibrary.parliament.uk/research-briefings/cbp-8984/?_gl=1*1kxn6kl*_up*MQ..*_ga*MzgzMjg5Njk1LjE3MTQ5ODYxOTY.*_ga_14RSNY7L8B*MTcxNDk4NjE5NS4xLjAuMTcxNDk4NjE5NS4wLjAuMA (Accessed on 28.07.2024).
 45. Watson, A (2007). "Hegemony and History", London: Routledge, doi: <https://doi.org/10.4324/9780203607060>
 46. Whitman, G; Hadfield, A (2023). "The diplomacy of 'Global Britain': settling, safeguarding and seeking status", International Politics Available at: <https://doi.org/10.1057/s41311-023-00489-x> (Accessed on 28.07.2024).
 47. Wight, M (1991). "International Theory: The Three Traditions" (ed. G. Wight and B. Porter). Leicester: Leicester University Press, doi: <https://doi.org/10.2307/2623218>
 48. Wilson, P; Oliver, T (2020). "The International Consequences of Brexit: An English School Analysis", Journal of European Integration, Loughborough University, doi: <https://doi.org/10.1080/07036337.2019.1665656>
 49. Xuetong, Y; Haixia, Q. (2012). "Football Game rather Than Boxing Match: China-US Intensifying Rivalry Does not Amount to Cold War", Chinese Journal of International Politics 5 (2): 105-127, doi: <https://doi.org/10.1093/cjip/pos007>
 50. ZongyiZhang, S.Y. (2001) "On Regional Inequality and Diverging Clubs: A Case Study of Contemporary China", Journal of Comparative Economics, Volume 29, Issue 3, Pages 466-484, doi: <https://doi.org/10.1006/jcec.2001.1726>

COPYRIGHTS

©2023 by the University of Tehran. Published by the University of Tehran Press. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

